

## تبیین رابطه بین آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل سرمایه: شواهدی از کشورهای نوظهور و در حال توسعه

کریم رسولی<sup>\*۱</sup>

اسداله فرزین‌وش<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۲۷

### چکیده

چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین‌شده و بستر قانونی لازم فراهم شود، سرمایه‌گذاران بین‌المللی میل و رغبت بیش‌تر برای حضور در این‌گونه بازارها خواهند داشت. امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیت‌های بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد. برقراری امنیت اقتصادی و انجام وظایف محوله به دولت که طبق آن فعالیت‌های اقتصادی دولت امیدوارانه به حداقل خواهد رسید، نیازمند منبع درآمدی برای دولت است.

عدم توجه به رابطه دوسویه بین امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی و تأثیرپذیری تشکیل سرمایه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مهم در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. تبیین روابط بین مقوله‌های مذکور هدف اصلی پژوهش حاضر است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که برای دو گروه از کشورهای نوظهور و در حال توسعه، علاوه بر متغیرهای اصلی کمی رشد اقتصادی و نرخ بهره، متغیرهای کیفی امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی نقش معناداری بر روی تشکیل سرمایه در اقتصاد بازی می‌کند. به‌علاوه، در دو گروه از کشورهای مورد مطالعه مشاهدات حاکی از تفاوت نوع تأثیرگذاری متغیرهای مذکور در روند تشکیل سرمایه در اقتصاد است.

در کشورهای نوظهور امنیت و ثبات اقتصادی در کنار آزادی اقتصادی، علاوه بر متغیرهای رشد اقتصادی و نرخ بهره، تأثیر معنادار و مثبتی روی تشکیل سرمایه در این کشورها دارد. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه اثر متغیر کیفی امنیت اقتصادی معنادار و مهم‌تر از آزادی اقتصادی است. بدین معنی که وجود امنیت اقتصادی و تأمین آن تأثیر بزرگ‌تر و مهم‌تری نسبت به متغیر آزادی اقتصادی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی، مدل داده‌های تلفیقی

طبقه‌بندی JEL: H56, F50, E22, D24

**Email:** rasuli1354@yahoo.com

۱. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران  
(نویسنده مسئول)

**Email:** farzin@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

## ۱. مقدمه

در دنیای امروز هدف جوامع و دولت‌ها رسیدن به رشد و توسعه پایدار اقتصادی است. در این بین مطالعات کشورهای مختلف جهان در رابطه با راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار نشان می‌دهد که در پس تفاوت‌های عمده در بین کشورها از لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ویژگی‌های مشترک چشمگیری میان تمام کشورهای توسعه‌یافته در راه پیشرفت آن‌ها وجود داشته است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک برقراری ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی در این جوامع بوده است (قاسمیان، ۱۳۸۱). کلیه فعالان اقتصادی قبل از هر چیز نیاز به محیطی با ثبات و امن برای اجرای برنامه‌های خود دارند. از نظر تئوریک محیط امن اقتصادی یک عامل کلیدی در ارتقای سرمایه‌گذاری خصوصی و به تبع آن رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است (پورسید، ۱۳۸۱).

در یک بیان ساده می‌توان امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم در بعد داخلی و هم در بعد بین‌المللی، دانست (پورسید، ۱۳۸۱). تأمین امنیت اقتصادی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که بتواند عملکرد مطلوب کلیه نهادهای مرتبط با فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. در کنار امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی به‌عنوان مؤلفه مهم دیگری در جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (Brunetti et al., 1997). از سوی دیگر، مهم‌ترین پیش‌شرط امنیت اقتصادی که فعالان اقتصادی انتظار دارند، وجود قوانین جامع در کشور است به نحوی که بتوانند بر اساس محاسبات بلندمدت نتیجه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی کنند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲). یکی از مهم‌ترین اصول این نوع از قوانین ثبات نسبی آن‌ها است.

چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین شده و بستر قانونی لازم فراهم شود، سرمایه‌گذاران بین‌المللی میل و رغبت بیشتری برای حضور در بازارهای این کشورها خواهند داشت. این امر به کشورهای میزبان نیز فرصت استفاده از مزیت‌های نسبی، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز برای تولید کالاهای رقابتی در عرصه بین‌المللی را می‌دهد؛ بنابراین، تسریع در ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، منافع متقابلی را برای کشورهای میزبان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی به دنبال خواهد داشت.

امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیت‌های بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد. امنیت اقتصادی و مقولات مرتبط با آن می‌تواند بر فضای کسب‌وکار و درآمد ملی تأثیرگذار بوده و از این طریق درآمدهای دولت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برقراری امنیت

اقتصادی و انجام وظایف محوله به دولت که طبق آن فعالیت‌های اقتصادی دولت به حداقل خواهد رسید، نیازمند شناسایی منابع درآمدی برای دولت است.

تأمین سرمایه‌های لازم برای رشد و توسعه اقتصادی یکی از ابزارهای موفق دولت‌ها برای ایجاد امنیت اقتصادی در بُعد داخلی است که با عنایت به محدودیت سرمایه‌های داخلی، بسیاری از کشورها، امروزه به ابعاد سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان ارکان اصلی اقتصادی خود توجه می‌کنند زیرا سرمایه‌گذاری خارجی صرف‌نظر از رشد اقتصادی موجباتی جهت ارتقاء و رشد تکنولوژی داخلی، آموزش و بهینه‌سازی نیروی کار، گسترش صادرات و دستیابی به بازارهای جدید را فراهم می‌کند.

بر این مبنا مساله اساسی که مطرح می‌شود، رابطه بین امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی و تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی است که پژوهش حاضر به بررسی و تبیین رابطه مذکور پرداخته و شواهدی از دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را در این زمینه ارائه داده است.

## ۲. ادبیات نظری مطالعه

در لغت، اصطلاح آزادی به‌عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب یا عمل تعریف می‌شود. اما آزادی اقتصادی در تعریف‌ها ریش‌رگر<sup>۱</sup>، عبارت است از این که فرد در موقعیتی برای انتخاب روشی است که با آن خودش را در کلیت جامعه ادغام کند (Harshbarger, 2002).

مکاتب گوناگون اقتصادی بر اساس اصول فکری و مبانی خاص خود به تعریف «آزادی اقتصادی»<sup>۲</sup> پرداخته‌اند. «آزادی اقتصادی، مشتمل است بر آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانک‌ها، آزادی نرخ سود و غیره و به‌عنوان برنامه قطعی و همیشگی عبارت است از مقاومت در برابر هر نوع مداخله دولت به‌ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده است، به‌ویژه استقامت در برابر سیاست به‌اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت.» (شارل ژید و شال ریست، ۱۳۷۰). «آزادی اقتصادی، اصلاحی است که اغلب برای بیان آزادی دادوستد و سرمایه‌داری بازار به کار می‌رود» (مایکل تودارو، ۱۳۷۵). آزادی عمل و آزادی عبور، دو شعار سیاست اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی فیزیوکرات‌ها بود. مفهوم شعار آزادی عمل، این است که افراد در کار و انتخاب مشاغل و حرف، آزاد باشند و مقررات و نظامات مزاحم اصناف و دولت، حذف شود و شعار آزادی عبور، شعار آزادی تجارت داخلی و خارجی و شعار حذف سدهای گمرکی و لغو قوانین مزاحم بازرگانی بود (تفضلی، فریدون، ۱۳۹۱). مقصود از آزادی‌های اقتصادی، داشتن حق اشتغال، انتخاب نوع شغل (هر چه بخواهد تولید کند یا هر خدمتی را دوست داشته است عرضه کند)، محل، مدت و زمان اشتغال،

1. Harshbarger

2. Economic Freedom

حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه اندازی دادوستد بازرگانی و ... حق مصرف و بهره‌برداری از درآمد و دارایی مطابق تمایل و اراده مالک و بالاخره حق ارث بردن و ارث گذاردن دارایی‌ها (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱).

در سطح کلان از دیدگاه اقتصاد سیاسی کلاسیک مقصود از آزادی اقتصادی، آزاد بودن در مقابل دولت و دخالت‌های آن است. به طوری که در عبارتی ساده، منظور از «آزادی» در ادبیات اقتصادی، نفی هر نوع دخالت دولت در امور اقتصادی است. درحالی که آزادی حقوقی، آزاد بودن نسبت به افراد دیگر است به این معنا که شخص از جهت حقوقی و قانونی نمی‌تواند مانع دیگری شود و آزادی او را محدود کند. پس آزادی اقتصادی، چون یک امر حقیقی و تکوینی مثل آزادی فلسفی (اختیار انسان در مقابل جبر او) نیست، نوعی از آزادی حقوقی و اعتباری تلقی می‌شود ولی دو ویژگی دارد: اول، قلمرو آن امور و فعالیت‌های اقتصادی است و دوم، آزاد بودن در مقابل دولت است نه افراد.

بنیاد هریتیج<sup>۱</sup> آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج از آنجایی که آزادی به‌عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد، از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به‌صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (Johnson, 2000).

امنیت اقتصادی نسبتاً تعریف سربسته و مبهمی دارد و شامل تناقضات ذاتی زیادی است و تاکنون تعریف چندان مشخص و گویایی از امنیت اقتصادی ارائه نشده است. همچنین، ارائه تعریف کم‌وبیش دقیقی از این مقوله نیز امکان‌پذیر نیست. چنین فرض می‌شود که امنیت پیوسته با تهدید و یا آسیب‌پذیری همراه است، بنابراین، تشخیص موضوع و حوزه دقیق مقوله اقتصادی مشکل خواهد بود. بدین ترتیب، نمی‌توان تشخیص داد که آیا رقابت نوعی تهدید است و باید واکنشی برای مقابله با آن صورت گیرد، یا این که نقش مثبت و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد دارد.

در واقع امنیت اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیت‌های بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید. این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد.

با این حال، همیشه دولت‌ها موفق به انجام وظایف خود در زمینه‌ی استقرار امنیت نمی‌شود. گاهی مواقع دولت‌ها به دلیل عدم کارایی قواعد حاکم بر نظام کشور و نامحدود بودن اختیارات آن‌ها، خود دچار رفتارهایی می‌شوند که نه تنها کمکی به امنیت نمی‌نماید، بلکه مخل آن نیز می‌شوند.

توجه به امنیت اقتصادی پس از جنگ سرد به طور روزافزونی افزایش یافته است و یکی از ابعاد مهم امنیت ملی قلمداد می‌شود، به گونه‌ای که صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران به دنبال راه‌های جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی امنیت ملی برآمده‌اند. در واقع، امنیت اقتصادی از سال ۱۹۴۵ در دستور کار سیاسی کشورها قرار گرفته است و در غرب یکی از اهداف حکومت‌ها و دولت‌ها قلمداد شده است. در یک تعریف ساده، امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، خواه در بعد داخلی و یا بین‌المللی. این که امنیت اقتصادی ارزشی مطابق با کاربرد وسیع دارد صرفاً یک توهم است، چراکه امنیت اقتصادی ایده‌ای نسبی است که در عین حال در خود مسمایی نهفته دارد، زیرا تأمین امنیت مطلق یعنی عدم کارکرد شیوه دادوستد یا بازار آزاد رقابتی (بوزان، ۱۳۷۸).

امنیت اقتصادی، اصولاً ایجاد و تثبیت یک بستر، جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی است که بدون وجود آن عملاً فعالیت‌های اقتصادی شکل سالم خود را از دست داده و تخصیص بهینه منابع صورت نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری اقتصادی مستلزم تأمین امنیت اقتصادی در کلیه شئون مرتبط با آن است. بر این اساس تکلیف دولت تسهیل و تسریع فعالیت‌های اقتصادی است؛ یعنی، رفع موانع موجود از سر راه فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد امنیت اقتصادی یعنی ثبات و تسهیل و تسریع که منجر به مشارکت بیش‌تر بخش خصوصی خواهد شد.

آنچه مسلم است امنیت اقتصادی با دیگر ابعاد امنیت مانند امنیت انتظامی، امنیت قضایی و امنیت اجتماعی ارتباط علت و معلولی متقابل دارد و لازمه حصول امنیت اقتصادی توجه جدی به دیگر ابعاد امنیت است. از آنجاکه بازار، فضای مناسبی برای انعکاس ابعاد اقتصادی روابط اجتماعی است، امنیت اجتماعی رابطه بسیار نزدیکی با امنیت اقتصادی برقرار می‌کند. این نکته در اقتصاد جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نه تنها منابع اقتصادی در سطح بسیار گسترده‌ای قابلیت خریدوفروش در بازار را دارند، بلکه ماهیت روابط بازار پیچیدگی خاصی یافته است.

آنچه باز قطعی به نظر می‌رسد ارتباط تنگاتنگ مفهوم امنیت اقتصادی با مفاهیم آزادی، برابری در برابر قانون، برابری فرصت‌ها، رفاه و رشد اقتصادی، عدالت در مبادله و عدالت در توزیع است. در حکومت‌های خودکامه معمولاً ادعا می‌شود که امنیت در نقطه مقابل آزادی قرار دارد و با صرف نظر کردن از آزادی ملازمه دارد، ولی در جوامع آزاد، امنیت و آزادی توأماً مورد درخواست هستند و تضادی بین آزادی و امنیت وجود ندارد.

مفهوم آزادی معمولاً به آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اقتصادی و آزادی‌های فرهنگی و فکری قابل تقسیم است. آنچه به نام آزادی‌های اقتصادی مطرح می‌شود شامل موارد متعددی مانند آزادی کار، آزادی بنگاه‌ها، آزادی بازرگانی، آزادی قراردادهای، آزادی بازارها، آزادی رقابت، آزادی ورود به هر

رشته صنعتی، آزادی شغل و آزادی مصرف است و گفته می‌شود که سلب این آزادی‌ها، سلب‌کننده امنیت اقتصادی نیز هست، گرچه برای هر یک از این آزادی‌ها حدودی وجود دارد (تمدن و درخشان، ۱۳۸۲).

### ۳. سوابق تحقیق

داکون و بیگلایزر (۲۰۰۵) در بررسی خود درباره رابطه امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا در فاصله سال‌های ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۲ از جانب معاهدات نظامی کشورها با آمریکا، توسعه اقتصادی، فرصت‌های تجاری، ریسک سلب مالکیت و اثر سال‌های بعد از جنگ سرد بیشترین تأثیر را پذیرفته است. این مطالعه با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی برای ۱۲۶ کشور صورت گرفته است (Biglaiser and Dekouen, 2005).

پویرسان (۱۹۹۸) با مطالعه امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌گذاری خصوصی عمدتاً تحت تأثیر ریسک سلب مالکیت، درجه آزادی مدنی و درجه استقلال و بوروکراسی قرار گرفته است. همچنین این مطالعه با استفاده از داده‌های ترکیبی سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۵ برای ۵۳ کشور درحال توسعه و با تقسیم این کشورها به مناطق مختلف (آسیا، آفریقا، خاورمیانه و اروپا) استدلال می‌کند که در آسیا حوزه‌های کلیدی که به اصلاحات نهادی نیاز دارند عبارت‌اند از: کاهش فساد و افزایش آزادی‌های مدنی. در خاورمیانه نیز اولویت اساسی برای اصلاحات نهادی عبارت از افزایش آزادی‌های مدنی به‌منظور افزایش جلب اعتمادبخش خصوصی (Poirson, 1998).

کیفر و ناک (۱۹۹۵) با استفاده از داده‌های مقطعی برای کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهند که هم رشد و هم سرمایه‌گذاری تحت تأثیر کیفیت نهادی قرار می‌گیرند که در اینجا کیفیت نهادی متوسطی از شاخص‌های زیر است: فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی، ریسک انکار قراردادها و ریسک سلب مالکیت توسط دولت. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند که نه آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی و نه ناآرامی‌های مدنی، در سطح معینی از کیفیت نهادی، بر روی سرمایه‌گذاری اثر معناداری ندارند (Keefer and Knock, 1995).

برانت (۱۹۹۷) در مطالعه خود با استفاده از داده‌های مقطعی برای کشورهای منتخب در سطح دنیا نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌پذیری وضع قوانین، ادراک ذهنی از بی‌ثباتی سیاسی، امنیت افراد و دارایی‌ها، پیش‌بینی‌پذیری محاکمات قضایی و فساد همگی هم بر روی رشد و هم بر روی سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار دارد (Brunette, 1997).

فابریشوز (۱۹۹۸) تحقیق درباره تأثیر امنیت اقتصادی بر سرمایه‌گذاری، اهمیت نهادها را در تبیین نرخ های سرمایه‌گذاری مورد تأکید قرار می‌دهد. وی با ارائه شاخص عمومی برای امنیت اقتصادی و با استفاده از ۱۲ متغیر نهادی (مانند ثبات سیاسی، آزادی‌های مدنی، حاکمیت قانون، درجه فساد و کیفیت بوروکراسی) برای ۱۳۰ کشور به این نتیجه می‌رسد که کیفیت نهادها تأثیر بسیار زیاد و معناداری بر روی سرمایه‌گذاری ثابت خصوصی در میان کشورهای بررسی شده دارد (Fabricius, 1998).

در پژوهش‌های داخل کشور نیز موضوع سرمایه‌گذاری و امنیت از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش مرتبط‌ترین مطالعات در رابطه با موضوع پژوهش حاضر که در داخل کشور انجام شده است، مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

پورسید (۱۳۸۲) در مقاله خود به این نکته اشاره دارد که امنیت اقتصادی در شرایط کنونی جهان یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی هر کشوری محسوب می‌شود. از طرف دیگر اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی که یکی از عوامل مؤثر در تأمین امنیت اقتصادی تلقی می‌شود با توجه به وضعیت فعلی ایران قابل‌انکار نیست. بر اساس تحلیل وی، باوجود سابقه طولانی وجود مقررات جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی در ایران، در عمل تشکیلات و سازمان‌های موجود در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی موفق نبوده‌اند که این مساله خود ناشی از بی‌ثباتی و عدم اطمینان ناشی از انقلاب اسلامی و نیز فقدان درک صحیح نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی است. لذا اولویت اصلی در کشور ما، اصلاح باور موجود نسبت سرمایه و اهمیت سرمایه خارجی است. این در حالی است که سرمایه خارجی می‌بایست با دقت مورد نظارت قرار گیرد. مقاله مورد نظر با تکیه بر محورهای لازم جهت تهیه قانون جامع و کامل در مورد جلب سرمایه‌های خارجی، هم قانون سال ۱۳۳۴ و هم قانون مصوب سال ۱۳۸۱ در مورد سرمایه‌گذاری خارجی را دارای نواقص فراوانی می‌داند. به نظر ایشان عدم وجود ضمانت اجرایی برای قوانین تصویب شده مهم‌ترین مشکل قوانین کشور است. پورسید اظهار می‌دارد که اجرای دقیق قانون سال ۱۳۳۴ و فراهم شدن زمینه‌های آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها مطرح است. به‌هرحال، بدون به وجود آمدن ضمانت اجرایی قوانین، تصویب یک قانون جامع و کامل نیز آثاری در بر نخواهد داشت (پورسید، ۱۳۸۲).

سزاوار (۱۳۸۲) در پایان‌نامه خود به ریشه‌یابی علل عدم امنیت اقتصادی در ایران می‌پردازد. در این راستا، وجود عوامل مختلفی نظیر وجود حکومت‌های استبدادی در طول تاریخ ایران، تهدیدهای بین‌المللی علیه امنیت اقتصادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وجود قوانین ناقص و غیر شفاف و فقدان ضمانت‌های قانونی برای برقراری امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر امنیت اقتصادی به شمار می‌آیند. وی بر اساس یک تحلیل تاریخی به این نتیجه رسیده است که ایران در

جذب سرمایه‌های خارجی در سال‌های اخیر موفق نبوده است و وجود نگرش نامساعد نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین مشکلات ساختاری در جذب سرمایه‌ها است. همچنین، فقدان سیستم نظارتی کارآمد و عدم کارایی نظام تصمیم‌گیری نیز به امنیت اقتصادی کشور آسیب رسانده است (سزاوار، ۱۳۸۲).

گیلدا عبدلی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر جذب منابع مالی (با تأکید بر بخش صنعت) به بررسی نقش امنیت اقتصادی در بخش صنعت ایران می‌پردازد. وی با استفاده از شاخص‌های رتبه‌بندی مؤسسه اکونومیست (EIU) در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۱ به این نتیجه می‌رسد که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در مراحل مختلف سرمایه‌گذاری و تولید به شفافیت اطلاعات و سیستم‌ها، ثبات اصول و قواعد و سهولت انجام امور اجرایی حساسیت داشته و بروز هرگونه اختلال در این موارد را نوعی عدم اطمینان تلقی می‌نمایند. وی دو شوک کاهش درآمد نفت در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۶، کاهش اعتبارات بخش غیردولتی، کاهش اعتبار قراردادهای، تشدید درگیری‌های احزاب سیاسی و بروز رقابت‌های غیراقتصادی مبتنی بر روابط سیاسی را به‌عنوان عوامل مهم حاکمیت شرایط نااطمینانی در بخش صنعت ایران در دوره موردنظر دانسته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق گسترش صادرات غیرنفتی به‌منظور رهایی از نااطمینانی ناشی از بازار بی‌ثبات نفت مهم‌ترین راهکار حاکمیت شرایط ثبات اقتصادی در کشور محسوب می‌شود (عبدلی، ۱۳۸۱).

محسن عبداللهی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری خارجی اشاره دارد که عوامل گوناگونی مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، طبیعی، قانون‌گذاری ملی و غیره بر سرمایه‌گذاری خارجی مؤثرند. برآیند این عوامل در دو مؤلفه برای سرمایه‌گذاری قابل‌بررسی است که عبارت‌اند از: بازدهی سرمایه‌گذاری و امنیت یا ریسک سرمایه‌گذاری. امنیت سرمایه‌گذاری وضعیتی است که در آن واحدها اقتصادی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای ریسک‌های گوناگون برنامه‌ریزی نموده و به فعالیت‌های اقتصادی خود پردازند. وی در مطالعه خود با داشتن یک نگرش جامع نسبت به مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را برشمرده است (عبداللهی، ۱۳۸۲).

حامد خدایی و رسول وظیفه در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش امنیت در سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری» به این موضوع اشاره دارند که توسعه گردشگری یکی از روش‌های متنوع سازی اقتصاد و رهایی از اقتصاد تک پایه‌ای است، بنابراین، سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری و توسعه آن می‌تواند عامل رهایی کشور ایران از اقتصاد تک‌محصولی شود. توسعه گردشگری نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور دارد و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها نیازمند امنیت در کشور است. همچنین، امنیت نقش مهمی را در جذب گردشگر ارائه می‌نماید. به همین جهت در پژوهش خود ابتدا به بررسی



ابعاد اقتصادی گردشگر پرداخته و سپس نقش امنیت در سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری و همچنین اثر تروریسم و ناامنی بر سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. موسی آقا لاری و نادر حسین‌پور در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل مولد و تقویت‌کننده امنیت و نقش آن در توسعه سرمایه‌گذاری» به بررسی عوامل تقویت‌کننده امنیت و نقش آن در توسعه سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که تأمین امنیت در محیط‌های مستعد سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک ضرورت بسیار مهم و کلیدی است. خلاصه عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در مطالعات قبلی در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول ۱: متغیرهای مهم تأثیرگذار روی تشکیل سرمایه

ردیف	نام متغیر	نوع رابطه
۱	امنیت اقتصادی	مثبت*
۲	آزادی اقتصادی	مثبت*
۳	نرخ بهره حقیقی	منفی
۴	نرخ رشد تولید حقیقی سرانه	مثبت
۵	نسبت سرمایه‌گذاری دولتی به تولید ناخالص داخلی	مثبت
۶	نرخ تورم داخلی	منفی
۷	سطح درآمد سرانه	معنی‌دار نبوده
۸	نسبت بدهی خارجی به صادرات	منفی
۹	تولید ناخالص داخلی بخش خصوصی	مثبت
۱۰	درجه باز بودن اقتصاد	مثبت
۱۱	نسبت هزینه استفاده سرمایه به نرخ دستمزد نسبی	منفی
۱۲	منابع قابل‌دستیابی	مثبت
۱۳	موجودی سرمایه بخش خصوصی	منفی
۱۴	موجودی سرمایه بخش دولتی	مثبت
۱۵	پس‌انداز ناخالص ملی	مثبت
۱۶	سرمایه‌گذاری ثابت دولت	مثبت

\* فرضیه پژوهش حاضر

منبع: تهیه‌شده بر مبنای مطالعات گذشته

#### ۴. نتایج تجربی

برای به دست آوردن رابطه بین تشکیل سرمایه با آزادی و امنیت اقتصادی با استفاده از روش داده‌های تابلویی، مدل پژوهش حاضر را با توجه به متغیرهای تأثیرگذار تشکیل داده‌ایم. در این بخش بررسی تجربی رابطه سرمایه‌گذاری با دو مقوله آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی بر پایه الگوی گرین

و ویلانیوا<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) که توسط هرزر و گریم (۲۰۱۲) بسط داده شده، استوار شده است. الگوی گرین و ویلانیوا با تعدیلاتی مبنای مدل‌های درین و رائلت<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، هرزر<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، کراودر و دی‌جانگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) و هرزر و گریم (۲۰۱۲) بوده است.

بدین منظور، در این پژوهش نیز مدل مذکور با تعدیلاتی در خصوص وارد نمودن مقوله‌های آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی به‌عنوان متغیرهای کیفی و نهادی تأثیرگذار جهت برآوردهای اقتصادسنجی مورد استفاده قرار گرفته است. مدل عمومی به‌صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$I_t = F(RI_t, GGDP_t, EF_t, ES_t, Z_t) \quad (1)$$

که در آن،  $I$ : سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه)،  $RI$ : نرخ بهره حقیقی،  $GGDP$ : نرخ رشد اقتصادی،  $EF$ : شاخص آزادی اقتصادی،  $ES$ : شاخص امنیت اقتصادی و  $Z$ : سایر عوامل مؤثر که به‌صورت متغیرهای کنترلی در مدل قرار می‌گیرد.

مدل مذکور ابتدا برای تمام کشورهای منتخب به‌صورت ادغام شده (اعم از نوظهور و درحال توسعه) برآورد شده است و سپس نتایج برای کشورهای نوظهور و کشورهای درحال توسعه به‌صورت جداگانه نیز برآورد گردیده است تا آثار متغیرهای امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در دو گروه از کشورهای مورد مطالعه روی تشکیل سرمایه در این کشورها آشکار گردد.

در مجموع ۱۴ کشور در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به دو گروه کشورهای نوظهور در اقتصاد جهانی و کشورهای درحال توسعه تفکیک شده‌اند. کشورهای نوظهور مورد مطالعه در پژوهش حاضر عبارت هستند از کشورهای BRICs (برزیل، روسیه، هند و چین)<sup>۵</sup> به‌علاوه کشورهای کره جنوبی و آرژانتین که به‌عنوان اقتصادهای نوظهور در اقتصاد جهانی شناخته می‌شوند. کشورهای درحال توسعه مورد مطالعه عمدتاً از بین کشورهای مورد هدف سند چشم‌انداز انتخاب شده‌اند که ساختار اقتصادی مشابهی با اقتصاد کشور داشته‌اند. این کشورها شامل ۸ کشور ایران، آذربایجان، الجزایر، مصر، پاکستان، عربستان سعودی، مالزی و ترکیه است.

اطلاعات مربوط به کشورهای مورد مطالعه در یک دوره زمانی ۱۸ ساله (از سال ۱۹۹۵ میلادی تا ۲۰۱۳ میلادی) مورد بررسی قرار گرفته و در تحلیل‌های رگرسیونی استفاده گردیده است. اطلاعات مربوط به آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی از شاخص‌ها و داده‌های اقتصادی مؤسسه هریتیج<sup>۶</sup>

1. Greene And Villanueva
2. Drine and Rault
3. Herzer
4. Crowder and de Jong
5. Brazil, Russia, India and China
6. Heritage Foundation

استخراج گردیده است. اطلاعات منتشرشده توسط این مؤسسه به ۹ شاخص اصلی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: ۱) شاخص رعایت حقوق مالکیت، ۲) شاخص عاری بودن از فساد اقتصادی، ۳) شاخص دخالت دولت (مخارج و حجم دولت)، ۴) آزادی سیاست مالی، ۵) آزادی سیاست پولی، ۶) آزادی کسب‌وکار، ۷) آزادی مبادله، ۸) آزادی سرمایه‌گذاری و ۹) آزادی مالی، که ۳ شاخص اول از نمایانگر امنیت اقتصادی بوده و ۶ شاخص بعدی نمایانگر آزادی اقتصادی در اقتصاد کشورها است. سایر اطلاعات اقتصادی شامل تشکیل سرمایه، رشد اقتصادی و نرخ بهره است. متغیرهای کنترلی از آمار شاخص توسعه‌ای جهانی<sup>۱</sup> (WDI) منتشره از سوی بانک جهانی استخراج شده است. جدول شماره (۲) اطلاعات کلان اقتصادی کشورهای مورد مطالعه را به نمایش گذاشته است.

جدول ۲: اطلاعات کلان اقتصادی کشورهای مورد مطالعه

کشور	مخارج دولت (% از GDP)	جمعیت (میلیون نفر)	GDP (میلیارد دلار PPP)	رشد GDP (%)	رشد GDP 5 ساله (%)	GDP سرانه (دلار PPP)	نرخ بیکاری (%)	نرخ تورم (%)	FDI (میلیون دلار)
الجزایر	۴۳/۱۴۹	۳۵/۹۵۴	۲۶۳/۶۶۱	۲/۷	۲/۴۷	۷۳۳۳/۲۲۶	۱۰	۴/۵	۲۵۷۱
ایران	۲۵/۴۶۶	۷۵/۸۵۹	۹۹۰/۲۱۹	۳/۷	۱/۹۷۸	۱۳۰۵۳/۴۲۲	۱۵/۳	۲۱/۳	۴۱۵۰
آذربایجان	۳۲/۷۸۲	۹/۱۲۲	۹۳/۰۵۵	۹/۷	-/۰۹۴	۱۰۲۰۱/۶۰۴	۱	۷/۸۶۹	۱۴۶۵
آرژانتین	۳۹/۹۷	۴۰/۹	۷۱۶/۱۹	۶/۸	۸/۸۷	۱۷۵۱۶/۱۴۷	۷/۲	۹/۷۷۵	۷۲۴۳/۱
برزیل	۳۸/۸۲۱	۱۹۴/۹۳۳	۲۲۹۴/۲۴۳	۴/۲	۲/۷۳۳	۱۱۷۶۹/۴۱۱	۶	۶/۶۳۶	۶۶۶۶۰/۱
پاکستان	۱۹/۱۲۴	۱۷۵/۳۱	۴۸۸/۵۸	۳/۶	۲/۳۹۲	۲۷۸۶/۹۴۶	۵/۶	۱۳/۶۶۱	۱۳۲۷
ترکیه	۳۴/۱۸۶	۷۳/۹۵	۱۰۷۳/۵۶۵	۳/۴	۸/۴۶	۱۴۵۱۷/۴۴۶	۱۱/۷	۶/۴۷۲	۱۵۸۷۶
چین	۲۳/۵۸۱	۱۳۴۸/۱۲۱	۱۱۲۹۹/۹۶۷	۱۰/۵	۹/۲۳۷	۸۳۸۲/۰۱۴	۶/۵	۵/۴۱۷	۱۲۳۹۸۵
روسیه	۳۹	۱۴۲/۴۱۱	۲۳۸۳/۴۰۲	۲/۷	۴/۳	۱۶۷۳۶/۰۴۸	۶/۶	۸/۴۴۳	۵۲۸۷۸
عربستان	۳۹/۸۹۷	۲۸/۱۶۹	۶۸۲/۷۵۳	۳/۵	۶/۷۷۵	۲۴۲۳۷/۴۰۱	۱۰/۹	۴/۹۷۶	۱۶۴۰۰
کره جنوبی	۳۰/۱	۴۹/۰۰۶	۱۵۵۴/۱۴۹	۳/۵	۳/۶۳۴	۳۱۷۱۳/۶۶۹	۳/۴	۴/۰۲۶	۴۶۶۰/۹
مالزی	۲۹/۷۲۳	۲۸/۷۳۱	۴۴۷/۲۷۹	۴/۳	۵/۱۳۷	۱۵۵۶۷/۹۳۲	۳/۱	۳/۲	۱۱۹۶۶
مصر	۳۱/۹۵	۷۹/۳۵۶	۵۱۸/۹۷۶	۵/۱	۱/۷۷۶	۶۵۳۹/۸۴۴	۱۲/۲	۱۱/۰۶۸	-۴۸۲/۷
هند	۲۷/۱۲۵	۱۲۰۶/۹۱۷	۴۴۵۷/۷۸۴	۸/۱	۷/۲۴۱	۳۶۹۳/۵۲۹	۹/۸	۸/۶۲۸	۳۱۵۵۴

منبع: مؤسسه هریتیج (۲۰۱۳) و WDI, (2013)

جدول شماره (۳) رتبه جهانی و امتیاز شاخص تلفیقی مؤسسه هریتیج (شاخص آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی) را در کشورهای مورد مطالعه به نمایش گذاشته است.

جدول ۳: رتبه جهانی شاخص تلفیقی کشورهای مورد مطالعه و تغییر سالانه آن

کشور	منطقه	رتبه جهانی	امتیاز شاخص تلفیقی از ۱۰۰ در سال ۲۰۱۳	تغییر سالانه شاخص نسبت به سال ۲۰۱۳
الجزایر	آسیا / خاورمیانه	۱۴۵	۴۹/۶	-۱/۴
ایران	خاورمیانه	۱۶۸	۴۳/۲	-۰/۹
آذربایجان	آسیا / خاورمیانه	۸۸	۵۹/۷	-۰/۸
آرژانتین	آمریکای جنوبی	۱۶۰	۴۶/۷	-۱/۳
برزیل	آمریکای جنوبی	۱۰۰	۵۷/۷	-۰/۲
پاکستان	آسیا / خاورمیانه	۱۲۱	۵۵/۱	-۰/۴
ترکیه	آسیا / خاورمیانه	۶۹	۶۲/۹	-۰/۴
چین	آسیا و اقیانوسیه	۱۳۶	۵۱/۹	-۰/۷
روسیه	اروپا	۱۳۹	۵۱/۱	-۰/۶
عربستان سعودی	خاورمیانه	۸۲	۶۰/۶	-۱/۹
کره جنوبی	آسیا و اقیانوسیه	۳۴	۷۰/۳	-۰/۴
مالزی	آسیا و اقیانوسیه	۵۶	۶۶/۱	-۰/۳
مصر	خاورمیانه	۱۲۵	۵۴/۸	-۳/۱
هند	آسیا و اقیانوسیه	۱۱۹	۵۵/۲	-۰/۶

Source: Heritage Foundation, (2013)

همان گونه که اشاره گردید مدل تصریح شده برای کشورهای منتخب یکبار به صورت ادغام شده و سپس به صورت تفکیکی و به طور جداگانه برای کشورهای نوظهور و در حال توسعه برآورد می گردد. با توجه به این که داده های مورد استفاده یا نرخ رشدها (مثل نرخ رشد GDP) و یا نسبت ها بوده است و به عبارتی سطح متغیرها مورد استفاده قرار نگرفته و تغییرات یا نسبت آن ها برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفته و از آنجا که مانایی در سطح داده ها مطرح می شود، لذا نوع داده های مورد استفاده مانا است.<sup>۱</sup> نتایج مدل برآوردی که در این قسمت ارائه می شود، مدل اقتصادسنجی مناسب است که بعد از اعمال آزمون های تشخیص جهت انتخاب بهترین مدل گزارش شده است. مدل اقتصادسنجی ارائه شده

۱. البته شایان ذکر است که مانایی داده ها مورد آزمون قرار گرفت و آزمون دیکی- فولر برای تک تک متغیرها حاکی از مانایی آن ها بود.

به روش تعمیم‌یافته خطی<sup>۱</sup> برآورد گردیده است و بر مبنای آزمون‌های تشخیص بهترین مدل انتخاب گردیده است.

#### ۱-۴. نتایج برآورد مدل برای تمام کشورها به صورت ادغام‌شده

همان‌گونه که اشاره شد مدل به روش تعمیم‌یافته خطی برآورد و بر مبنای آزمون‌های تشخیص مدل، مدل با اثرات تصادفی مناسب تشخیص داده شد. نتایج برآورد شده مدل تصریح‌شده برای کشورهای منتخب به صورت ادغام‌شده در جدول شماره (۴) آورده شده است.

جدول ۴: نتایج مدل برآوردی

متغیر وابسته: تشکیل سرمایه							
کشورهای در حال توسعه		کشورهای نوظهور		کل کشورهای منتخب (مدل ادغام‌شده)			
Method: Panel EGLS (Cross-section random effects)							
Date: 2013/04/26							
Periods included: 17							
Cross-sections included: 8		Cross-sections included: 6		Cross-sections included: 14			
Total panel (unbalanced) observations: 128		Total panel (unbalanced) observations: 100		Total panel (unbalanced) observations: 228			
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	متغیر	
5.173968	0.587773	3.182770	0.280062	6.435097	0.518415	رشد اقتصادی	
0.449261	0.015975	-1.448519	-0.144077	1.168798	0.033101	نرخ بهره واقعی	
2.163167	0.153872	4.156089	0.132760	2.948693	0.138770	امنیت اقتصادی	
-0.334787	-0.034688	3.675844	0.214278	-0.622411	-0.041503	آزادی اقتصادی	
2.857012	16.87803	6.619623	28.73742	3.751754	16.40086	عرض از مبدأ	
0.203484		0.202001		0.195028			R-squared
0.177582		0.168401		0.180589			Adjusted R-squared
4.579295		2.216436		3.454226			S.E. of regression
7.855651		6.011948		13.50704			F-statistic
4.958590		2.453830		3.800931			S.D. dependent var
2579.303		466.6960		2660.764			Sum squared resid

منبع: یافته‌های تحقیق

آماره آزمون F (آماره آزمون معناداری مدل تصریحی) برای سه مدل برآورد شده که حکایت از معنادار بودن کلی رگرسیون برآوردی می‌باشد. به عبارت دیگر، فرضیه عدم معنی‌دار بودن مدل و یا به عبارتی برابر صفر بودن تمام ضرایب به صورت همزمان رد می‌گردد. پس رگرسیون و وجود آن به

1. EGLS

وسیله آزمون  $F$  تأیید می‌شود. آماره  $t$  نیز صحت برآورد پارامترهای مدل را تأیید می‌کند که اگر به صورت سرانگشتی دو و یا بیش‌تر باشد ضریب مربوطه از نظر آماری معنی‌دار است. آمار ضریب  $R^2$  (ضریب تعیین مدل) برای داده‌های غیر تفکیکی کشورهای پیشرو و در حال توسعه به صورت همزمان برابر  $0/19$  درصد است. آمار ضریب  $R^2$  (ضریب تعیین مدل) برای مدل برآورد شده از داده‌های مربوطه به کشورهای نوظهور برابر  $0/202$  درصد است. آمار ضریب  $R^2$  (ضریب تعیین مدل) برای مدل برآورد شده از داده‌های مربوطه به کشورهای در حال توسعه برابر  $0/203$  درصد است.

با توجه به مدل برآورد شده در رابطه با اثرگذاری متغیرهای توضیحی روی تشکیل سرمایه به صورت درصدی از GDP کشورهای منتخب (ادغام‌شده)، می‌توان بیان داشت که رشد اقتصادی با ضریب  $0/518$  و آماره  $t$  با مقدار  $6/435$  و از نظر آماری معنادار است که مطابق و سازگار با تئوری‌های اقتصادی می‌باشد. همچنین، ضریب نرخ بهره برابر  $0/03$  و آماره  $t$  با مقدار  $1/16$  است که در مدل حاضر از نظر آماری معنادار نمی‌باشد که شاید می‌توان دلیل آن را در ادغام دو گروه مختلف از کشورها تفسیر نمود. متغیرهای اصلی و مورد مطالعه در پژوهش حاضر آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی می‌باشد که با توجه به مدل برآورد شده متغیر امنیت اقتصادی با ضریب  $0/138$  و آماره  $t$  با مقدار  $2/948$  و از نظر آماری معنادار می‌باشد که سازگار با تئوری‌های اقتصادی و تأییدکننده فرضیه تحقیق نیز می‌باشد ولی متغیر آزادی اقتصادی با ضریب  $0/041$  و آماره  $t$  با مقدار  $0/622$  از نظر آماری معنادار نبوده و مخالف فرضیه تحقیق برای داده‌های غیر تفکیک‌شده کشورهای منتخب است. عرض از مبدأ مدل نیز با ضریب  $3/75$  از نظر آماری معنادار می‌باشد.

#### ۲-۴. نتایج برآورد مدل برای تمام کشورهای نوظهور

با توجه به مدل برآورد شده در رابطه با اثرگذاری متغیرهای توضیحی روی تشکیل سرمایه به صورت درصدی از GDP کشورهای نوظهور، می‌توان بیان داشت که رشد اقتصادی با ضریب  $0/28$  و آماره  $t$  با مقدار  $3/18$  و از نظر آماری نیز معنادار است که مطابق و سازگار با تئوری‌های اقتصادی می‌باشد. همچنین، ضریب نرخ بهره واقعی برابر  $0/14$  - است که مطابق با تئوری‌های اقتصادی بوده و آماره  $t$  مربوطه مقدار  $1/44$  - می‌باشد. متغیرهای اصلی و مورد مطالعه در پژوهش حاضر آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی است که با توجه به مدل برآورد شده متغیر امنیت اقتصادی با ضریب  $0/132$  و آماره  $t$  با مقدار  $4/15$  مثبت و از نظر آماری معنادار بوده که سازگار با تئوری‌های اقتصادی و تأییدکننده فرضیه تحقیق نیز است. همچنین، متغیر آزادی اقتصادی با ضریب  $0/214$  و آماره  $t$  برابر مقدار  $3/67$  است که این متغیر نیز دارای ضریب مورد انتظار و سازگار با تئوری‌های اقتصادی بوده که تأییدکننده فرضیه تحقیق نیز در زمینه تأثیر مثبت روی تشکیل سرمایه در کشورهای نوظهور است. عرض از مبدأ مدل نیز با ضریب  $28/73$  از نظر آماری معنادار است.

### ۳-۴. نتایج برآورد مدل برای تمام کشورهای در حال توسعه

نتایج برآورد مدل تصریح شده برای کشورهای در حال توسعه شامل ایران، آذربایجان، الجزایر، مصر، پاکستان، عربستان سعودی، مالزی و ترکیه ارائه شده است. با توجه به مدل برآورد شده در رابطه با اثرگذاری متغیرهای توضیحی روی تشکیل سرمایه به صورت درصدی از GDP کشورهای در حال توسعه، می توان بیان داشت که رشد اقتصادی با ضریب  $0/58$  و آماره  $t$  به مقدار  $5/17$  و از نظر آماری نیز معنادار می باشد که مطابق و سازگار با تئوری های اقتصادی می باشد. همچنین، ضریب نرخ بهره برابر  $0/01$  و آماره  $t$  با مقدار  $0/44$  است که در مدل حاضر از نظر آماری معنادار نبوده و برخلاف پیش فرض اقتصادی می باشد. این موضوع را شاید بتوان این گونه تفسیر نمود که در کشورهای در حال توسعه بیش تر متغیرهای نهادی روی سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه هستند تأثیرگذار تا نرخ بهره.

در کشورهای در حال توسعه با توجه به مدل برآورد شده متغیر امنیت اقتصادی با ضریب  $0/15$  و آماره  $t$  با مقدار  $2/16$  و از نظر آماری معنادار بوده که سازگار با تئوری های اقتصادی و تأییدکننده فرضیه تحقیق نیز هست. همچنین، متغیر آزادی اقتصادی با ضریب  $-0/03$  و با آماره  $t$  برابر مقدار  $-0/33$  می باشد که این دارای ضریب مورد انتظار نبوده و از نظر آماری نیز ضریب مربوطه معنادار نیست. این نتایج حاکی از آن می تواند باشد که در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما امنیت اقتصادی متغیر کیفی اصلی و مهم تأثیرگذار روی تشکیل سرمایه است که توجه سیاست گذاری را بیش تر می طلبد. عرض از مبدأ مدل نیز با ضریب  $16/87$  از نظر آماری معنادار می باشد.

### نتیجه گیری

با توجه به مدل های برآورد شده برای دو گروه از کشورهای نوظهور و در حال توسعه نتیجه گیری کلی موضوع بر این دلالت دارد که در کنار متغیرهای اصلی رشد GDP و نرخ بهره متغیرهای کیفی امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی تأثیر معناداری روی تشکیل سرمایه در اقتصاد کشورها دارند.

موضوع مذکور در حالی است که در دو گروه از کشورهای مورد مطالعه مشاهدات حاکی از تفاوت نوع تأثیرگذاری متغیرهای مذکور در روند تشکیل سرمایه در اقتصاد می باشد. با توجه به مدل های رگرسیونی برآوردی مشاهده می شود که در کشورهای نوظهور در اقتصاد جهانی امنیت و ثبات اقتصادی در کنار آزادی اقتصادی، علاوه بر متغیرهای رشد اقتصادی و نرخ بهره، تأثیر معنادار و مثبتی روی تشکیل سرمایه در این کشورها دارد. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه اثر متغیر کیفی امنیت اقتصادی معنادار و مهم تر از آزادی اقتصادی و حتی متغیر نرخ بهره می باشد. بدین معنی که وجود امنیت اقتصادی و تأمین آن تأثیر بزرگ تر و مهم تری نسبت به متغیر آزادی اقتصادی دارد و



این موضوع با پیش‌فرض‌های مطالعه هم سازگار است که آزادی اقتصادی در نبود یا کمبود امنیت اقتصادی نمی‌تواند به‌تنهایی در تشکیل سرمایه در اقتصاد تأثیر به‌گذارد و این موضوع امری اجتناب‌ناپذیر در جهت تحریک سرمایه‌گذاری در اقتصاد و تهییج رشد اقتصادی جهت نیل به اهداف اقتصادی دیگر است. البته این امر منکر تأمین آزادی اقتصادی بعد از فراهم نمودن امنیت اقتصادی نیست. همان‌طور که قبلاً مشاهده شد این موضوع که برای تهییج سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی به‌مانند کشورهای نوظهور باید تأمین امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی توأمان در مراحل بعدی رشد حتماً مدنظر قرار گرفته شود.

## منابع

- «امنیت اقتصادی و مروری بر موانع سرمایه‌گذاری در ایران» (۱۳۷۴): تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- «مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی» (۱۳۸۲): تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
- آزر، ادواردی و چونگ این، (۱۳۷۹) «امنیت ملی در جهان سوم»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸): «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسید، بهزاد (۱۳۸۲): «امنیت اقتصادی در بُعد سرمایه‌گذاری خارجی»، تهران: مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- تمدن، محمدحسین و درخشان، مسعود (۱۳۸۲): «نکاتی چند درباره امنیت اقتصادی و راه‌های تأمین آن»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- چینی، حبیب (۱۳۸۲): «امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۹): «اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور»، تهران: ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷۴.
- سزاوار، محمد (۱۳۸۲): «دلایل کاهش امنیت اقتصادی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۲): تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹) در ایران، تهران: نامه مفید، شماره ۳۸.
- عبدلی، گیلدا (۱۳۸۱): «امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر جذب منابع مالی (با تأکید بر بخش صنعت)»، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران.
- قاسمیان، سلیمان (۱۳۸۲): «نگاهی به مفهوم امنیت اقتصادی و نقش آن در توسعه اقتصادی»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۳): «آدام امیت و ثروت ملل»، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر.
- گرچی، ابراهیم و هاشمیان، مسعود (۱۳۸۶): «تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در ایران»، تهران: فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷): «چهره‌ی امنیت ملی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۶): «ریسک و اعتبار کشوری»، از سری مطالعات رتبه‌گذاری اقتصاد ایران.
- Azman-Sainia. W. N.W. and Zubaidi Baharumshah, Ahmad (2010); "Foreign direct investment, economic freedom and economic growth: International evidence", Journal of Economic Modeling, Volume 27, Issue 2.
- Brunetti, Aymo; Kisunko, George and Weder, Beatrice (1997); "Credibility of rules and economic growth: Evidence from worldwide survey of the private sector", World Bank policy research working paper, No. 1760, Washington.

- Crowder, W. J.; de Jong, P. J. (2011); "Does investment lead to greater output? A panel error-correction model analysis", *Applied Economics*, 43(7): 773-785.
- DeRouen Jr. Kark; Biglase, Glen (2005); "Security, property rights and US foreign direct investment", political economy of MNE Conference at Washington University.
- Drine, I.; Rault, C. (2003); "Do panel data permit the rescue of the Balassa-Samuelson hypothesis for Latin American countries?", *Applied Economics*, 35(3): 351-359.
- Greene, J.; Villanueva, D. (1991); "Private investment in developing countries: an empirical analysis", *Staff Papers-International Monetary Fund*: 33-58.
- Herzer, D.; Grimm, M. (2012); "Does foreign aid increase private investment?" Evidence from panel cointegration. *Applied Economics*, 44(20).
- Kubatova, Kveta; Rihova, Lucie (2009); "Factors affecting revenues from corporate tax", available at:  
<http://www.icabr.com/fullpapers/Kubatova%20Kveta,%20Lucie%20Rihovaubanova.pdf>
- Poirson, Helene (1998); "Economic security, private investment and growth in developing countries", *IMF, WP/98/4*.
- World Bank (2013); "World Development Indicators".